

بررسی تعدادی از صورت‌های واکه‌ای زبان فارسی در بخش‌های کوهبنان و خرم‌دشت در استان کرمان

عباسعلی آهنگر^۱

یدالله پرمون^۲

حامد مولایی کوهبنانی^۳

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۱/۱۹

تاریخ تصویب: ۹۳/۸/۲۴

چکیده

پژوهش حاضر در صدد است تا توزیع جغرافیایی تعدادی از صورت‌های واکه‌ای گویش کوهبنانی را در دو منطقه کوهبنان و خرم‌دشت، از توابع شهرستان کوهبنان در استان کرمان، مورد بررسی قرار دهد و با توجه به تفاوت‌های موجود در نحوه توزیع آنها در این دو منطقه، اطلس زبانی را رسم کند. در این راستا، توزیع جغرافیایی تعدادی از صورت‌های زبانی که از فارسی میانه در گویش کوهبنانی در مناطق مورد پژوهش باقی مانده‌اند نیز نشان داده خواهد شد. برای تعیین صورت‌های زبانی راهنما در

^۱ دانشیار دانشگاه سیستان و بلوچستان؛ ahangar@english.usb.ac.ir

^۲ استادیار زبان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری؛ yadollahparmoon@yahoo.com

^۳ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)؛ hamed.mowlaei@yahoo.com

سی نقطه از دو منطقه کوهبنان و خرمدشت، از یک یا دو نفر از افراد بی‌سواد بالای پنجاه و پنج سال گفتار آزاد تهیه شد و برای تعیین صورت‌های اصلی نیز گفتار آزاد و مصاحبه صورت گرفت، سپس بر اساس آنها پرسش‌نامه‌هایی در قالب فهرست واژگان تهیه گردید و در تمام سی نقطه مورد پژوهش به اجرا درآمد. در پایان، بر اساس داده‌های به‌دست آمده، تفاوت‌ها و شباهت‌های موجود در توزیع صورت‌های زبانی مربوط و آثار باقی‌مانده از فارسی میانه در گویش کوهبنانی این مناطق به‌صورت نقشه‌هایی جداگانه نشان داده شد. بدین منظور و برای تعیین دقیق حوزه هر صورت زبانی و رسم خط مرزهای هم‌گویی از نرم‌افزار جغرافیایی جی‌آی‌اس استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که گویش کوهبنانی در مناطق مورد بررسی دارای ویژگی‌های تمایزدهنده‌ای است که از آن میان می‌توان به فرایندهایی از قبیل کشش واکه‌ای و حفظ تعدادی از واکه‌های دوره میانه که در فارسی معیار دچار تغییرات شده‌اند، اشاره کرد. همچنین فرایندهای افراستگی واکه‌ای، افتادگی واکه‌ای، پیشین‌شدگی واکه‌ای، پسین‌شدگی واکه‌ای، ساده‌شدگی واکه‌های مرکب و مرکب‌شدگی واکه‌های ساده نیز در مناطق مورد نظر قابل مشاهده می‌باشد. بررسی صورت‌های واکه‌ای و اطلس‌های زبانی همچنین نشان‌دهنده آن است که واحدهای زبانی در این دو منطقه تا حد نسبتاً زیادی به‌صورت مشابه به کار می‌روند اما به‌جهت وجود تفاوت‌ها در رفتار زبانی گویشوران در دو منطقه کوهبنان و خرمدشت، باید قائل به وجود دو لهجه متفاوت در این مناطق شد که دلیل آن هم‌مرز بودن منطقه خرمدشت با استان یزد می‌باشد چرا که گویشوران این منطقه واحدهای زبانی را در اکثر موارد مشابه گویش یزدی به کار می‌برند.

واژه‌های کلیدی: خط مرز هم‌گویی، افراستگی واکه‌ای، افتادگی

واکه‌ای، پیشین‌شدگی واکه‌ای، پسین‌شدگی واکه‌ای، ساده‌شدگی

واکه‌ای

۱. مقدمه

در این پژوهش، برخی از صورت‌های واکه‌ای مشاهده‌شده در پیکره زبانی گویشوران کوهبنانی در دو منطقه کوهبنان و خرم‌دشت شهرستان کوهبنان در استان کرمان مورد بررسی قرار می‌گیرند و تفاوت‌های گویشی و توزیع جغرافیایی آنها در روستاهای مختلف دو منطقه مذکور با استفاده از روش ترسیم خط مرزهای هم‌گویی^۱ بر روی نقشه‌های زبانی مربوط توصیف، تعیین و نشان داده می‌شوند. کوهبنان در شمال غربی استان کرمان قرار گرفته و فاصله بین مرکز شهرستان تا مرکز استان ۱۶۸ کیلومتر است. کوهبنان از شمال به استان یزد و شهرستان بافق، از جنوب به شهرستان زرنند، از مشرق به شهرستان راور و بهاباد یزد و از مغرب به شهرستان رفسنجان محدود می‌شود. بخش کوهبنان شامل شهر کوهبنان و دهستان خرم‌دشت می‌باشد. جامعه زبانی این پژوهش را یک یا دو نفر زن یا مرد بالای پنجاه و پنج سال بی‌سواد در سی روستای منطقه مورد پژوهش که در مجموع بیست و هشت مرد و شانزده زن را شامل می‌شود، تشکیل می‌دهد. روستاهای منطقه مورد پژوهش اکثراً به صورت انتخابی گزینش شده‌اند و آزمودنی‌ها نیز با توجه به عواملی همچون محل دقیق تولد، طول مدت زندگی در محل، سن و بی‌سوادی انتخاب گردیده‌اند. در هر نقطه از مناطق مورد پژوهش، از یک یا دو نفر زن و مرد بالای پنجاه و پنج سال - که در مجموع بیست و هشت مرد و شانزده زن را شامل می‌شد - گفتار آزاد تهیه شد و از آنها خواسته شد در مورد روستای خود، وضعیت زندگی کنونی یا در مورد دوران کودکی خود صحبت کنند و یا داستانی را نقل کنند. ضبط گفتار آزاد از گویشوران بین ده تا سی دقیقه بود که در این مرحله ضبط گفتار آزاد و جمع‌آوری داده‌ها در مجموع حدود هفتصد دقیقه طول کشید. پس از تعیین صورت‌های واکه‌ای اصلی بر اساس گفتار آزاد و مصاحبه گویشوران و بر اساس صورت‌های واکه‌ای تعیین شده، پرسش‌نامه‌هایی به صورت فهرست واژگان تهیه شد تا نحوه کاربرد واژه در بافت جمله و به‌تنهایی و خارج از بافت نیز به‌طور دقیق مشخص گردد. در تهیه پرسش‌نامه، همچنین، فهرستی از صورت‌های فارسی میانه مشاهده‌شده در گفتار گویشوران و تطبیق داده‌شده با صورت‌های زبان فارسی میانه از فرهنگ فشرده

^۱ isogloss

پهلوی (مکنزی^۱، ۱۹۷۱) گنجانده شد. صورت‌های زبانی جمع‌آوری شده پس از چند بار گوش دادن با دقت کامل و طبق الفبای بین‌المللی آوانگاری^۲، واج‌نویسی شدند. پس از تهیه صورت‌های زبانی واج‌نویسی شده از تمام سی روستای مورد بررسی، داده‌ها توصیف و مورد تحلیل قرار گرفتند و توزیع هر کدام از صورت‌های واکه‌ای استخراج شده از پرسش‌نامه بر روی نقشه‌ای جداگانه نشان داده شد. ترسیم خط مرزهای هم‌گویی بر روی نقشه با استفاده از نرم‌افزار جغرافیایی جی. آی. اس^۳ که در علم جغرافیا و در حوزه نقشه‌کشی نرم‌افزاری دقیق و پرکاربرد است، انجام گرفت.

گویش‌شناسی را یکی از قدیمی‌ترین و باسابقه‌ترین شاخه‌های علم زبان‌شناسی می‌دانند که همگام با سایر شاخه‌های این علم دچار تغییر و تحولاتی شده است. یکی از روش‌های پرکاربرد در گویش‌شناسی مطالعه توزیع جغرافیایی گونه‌های زبان می‌باشد که آن را گویش‌شناسی جغرافیایی می‌نامند. جهانگیری در تعریف گویش‌شناسی جغرافیایی می‌گوید:

گویش‌شناسی جغرافیایی بخشی از گویش‌شناسی است که با توزیع ناحیه‌ای گونه‌های زبانی و عناصر خاص آنها ارتباط پیدا می‌کند. از سوی دیگر، از آنجا که عوامل جغرافیایی در تغییرات زبانی دارای نقش هستند، وجه مشترکی بین زبان‌شناسی و جغرافیا در این زمینه به وجود می‌آید که از آن با عنوان گویش‌شناسی جغرافیایی یاد می‌شود (جهانگیری، ۱۳۶۵: ۳۷۹).

به گفته تراسک^۴ (۲۰۰۷)، انجام پژوهش در زمینه گویش‌شناسی جغرافیایی به دو شیوه توصیفی و مقایسه‌ای انجام می‌پذیرد. شیوه توصیفی رایج‌ترین شیوه در مطالعات گویش‌شناسی جغرافیایی محسوب می‌شود که برای معرفی گویش‌های یک کشور یا یک منطقه به کار می‌رود. در شیوه مقایسه‌ای، اغلب گویش یک منطقه خاص با گویش معیار سنجیده می‌شود و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها بیان می‌شود. از جمله کارهای مهم

¹ Mackenzie

² International Phonetic Alphabet (IPA)

³ Geographic Information System (GIS ARC)

⁴ Trask

گویش‌شناسی سنتی یا گویش‌شناسی جغرافیایی کشف خط‌مرزهای هم‌گویی، ترسیم نقشه‌های زبانی یا گویشی^۱ و تهیه اطلس‌های زبانی یا گویشی^۲، به‌عنوان مجموعه‌ای از نقشه‌های زبانی بوده است. خط‌مرزهای هم‌گویی دو یا چند ناحیهٔ گویشی^۳ را که از لحاظ کاربرد، بود و یا نبود یک عنصر زبانی مانند عنصری واژگانی، تلفظ یک واژهٔ خاص و یا عنصر یا الگویی نحوی متفاوت می‌باشند، از یکدیگر جدا می‌کنند. نقشه‌های زبانی یا گویشی، به نوبهٔ خود، نواحی جغرافیایی مختلفی را که در آنها تنوعات و ویژگی‌های گویشی خاصی در گفتار گویشوران نواحی گویشی گوناگون وقوع می‌یابند، نمایش می‌دهند. تقسیمات گویش‌ها به وسیلهٔ خط‌مرزهای زبانی نشان داده می‌شوند. کامری^۴ (۱۳۷۸)، ترجمهٔ گلفام) خط‌مرزهای زبانی را خطوطی می‌داند که روی نقشه، نمایش‌دهندهٔ مکان جدایی قلمرو صورت یا تلفظ واژه‌ای از صورتی یا تلفظ دیگری از آن واژه است. وی عقیده دارد که این تفاوت‌ها گاهی اوقات بسیار تدریجی هستند؛ با وجود این، اگرچه استفاده از روش خط‌مرز هم‌گویی روشی سنتی در توصیف‌های گویشی محسوب می‌گردد اما در پژوهش حاضر سعی شده است تا تفاوت‌های گویشی در دو منطقهٔ کوهبنان و خرم‌دشت با استفاده از این روش نشان داده شود زیرا کاربرد این روش در ایران قدمت دیرینه‌ای ندارد؛ همچنین این پژوهش اولین کاری است که در زمینهٔ تهیهٔ اطلس زبانی و تعیین خط‌مرزهای زبانی در مورد گویش کوهبنانی انجام شده است که خود می‌تواند گامی در جهت پژوهش‌های آتی محسوب شود. از طرف دیگر، استفاده از روش‌های دیگر نیاز به آمار، محاسبه و همچنین نرم‌افزارهای ویژه‌ای دارد که نه تنها کار با آنها مشکل می‌باشد بلکه دسترسی به آنها برای نگارندگان امکان‌پذیر نبوده است.

۲. پیشینهٔ پژوهش

تاکنون پژوهشی مشابه با پژوهش حاضر که به توصیف توزیع صورت‌های واژه‌ای در گویش کوهبنانی پرداخته باشد، انجام نشده و اکثر پژوهش‌های موجود دربارهٔ گویش

¹ dialect maps

² dialect atlases

³ dialect areas

⁴ Comrie

شهرستان کوهبنان تنها مربوط به جمع‌آوری واژه‌ها و اصطلاحات این گویش بوده است. با این حال، در سال‌های اخیر کارهایی در زمینه توصیف سایر گویش‌های ایرانی با استفاده از اطلس زبانی انجام گرفته است. در اکثر کارهای انجام شده در این زمینه، اطلس زبانی انگلستان (۱۹۷۸) که از سوی اورتن^۱، ساندرسون^۲ و ویدوسون^۳ تدوین شده، مبنای کار بوده است. در اطلس زبانی انگلستان، پس از معرفی اجمالی گویش‌های انگلیسی، چهار نقشه آوایی، واژگانی، صرفی و نحوی ارائه شده است. در اکثر کشورهای دنیا، اطلس زبانی گویش‌ها تدوین شده و یا در حال تدوین است که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد.

کورات^۴ (۱۹۴۹) یکی از نخستین زبان‌شناسانی بود که نخستین بار با شیوه‌ای علمی به گردآوری گویش‌ها و تنوعات انگلیسی آمریکایی اقدام کرد. وی با انگیزه شناسایی تفاوت‌ها و تنوعات تلفظی ساکنان شهرهای شمالی کشور آمریکا به گردآوری و ثبت این تنوعات پرداخت و سپس یافته‌های این تحقیق میدانی را در نقش‌های جغرافیایی کشور ثبت کرد. نتایج پژوهش وی نشان‌دهنده گسترده‌گی گویش‌ها در این منطقه می‌باشد.

یوهانسون^۵ (۲۰۰۱) در پژوهش خود که به نوعی متفاوت با سایر پژوهش‌های متداول در این زمینه محسوب می‌شود، به مرور پراکندگی جغرافیایی گونه‌های مختلف ترکی می‌پردازد. این پژوهش فاقد نقشه است بنابراین نمی‌توان به کمک آن مرزهای دقیق گونه‌های مختلف ترکی را از هم تشخیص داد. یوهانسون تنها به توصیف پراکندگی گونه‌های مختلف زبان ترکی در کشور ترکیه و همسایگان آن تا کشور چین و سبیری می‌پردازد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در حال حاضر بیست زبان ترکی معیار توسط ۱۲۵ میلیون نفر تکلم می‌شود که مهم‌ترین آنها عبارتند از: ترکی، آذربایجانی، ترکمن، قزاقی، ازبکی، تاتار و یاکوت.

¹ Orton

² Sanderson

³ Widdowson

⁴ Kurath

⁵ Johanson

برور^۱ (۲۰۰۸) نیز در گزارشی از اطلس زبانی کشور تایوان، تنوعات زبانی آن را تحت تأثیر عواملی چون سن، جنسیت، قومیت، تحصیلات، شغل و سابقه اقامت در قالب نقشه‌های زبانی ارائه می‌دهد. در این طرح، وی بیش از هزار و چهار صد مورد از گفتار روزمره مردم را روی نوار ضبط صوت یا لوح فشرده پیاده کرده است و نتایج را روی اطلس‌های زبانی پیاده کرده است.

در پژوهشی دیگر، بلنچ^۲ (۲۰۰۹) به بررسی چگونگی توزیع تنوع ۵۰۰ زبان در کشور آفریقایی نیجریه پرداخته است. وی در این پژوهش عنوان می‌کند که تنوعات زبانی در این کشور بسیار گسترده است و بنابراین ضبط و ثبت این تغییرات ارزش بسیار زیادی دارد؛ البته وی اشاره‌ای به دلیل این تنوعات زبانی نکرده و تنها به طبقه‌بندی جغرافیایی آنها در این بخش از قاره آفریقا اکتفا کرده است.

نخستین کار در مورد مطالعات مربوط به اطلس زبانی در ایران در قالب اقدامی مشترک از سوی فرهنگستان زبان ایران و سازمان جغرافیایی کشور در سال ۱۳۵۳ با عنوان طرح فرهنگ‌ساز به انجام رسید که پس از چهار سال متوقف شد. در سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ کار بررسی گویش‌ها به منظور تهیه اطلس زبانی از سر گرفته شد و اطلاعاتی به داده‌های جمع‌آوری شده اضافه شد. برنامه‌ریزی‌های اولیه برای تهیه اطلس زبانی ایران پس از وقفه‌ای چندساله از سال ۸۰ تا ۸۵ انجام شد و از سال ۸۵ این پروژه به صورت عملی کلید خورد که در مرحله ورود اطلاعات زبانی، طی سال‌های ۸۵ تا ۸۶ آوانویسی بخش بسیار ارزشمندی از ۱۰ هزار داده زبانی انجام شد. این طرح در سال ۱۳۸۵ به کوشش پرمون تدوین شده است.

علاوه بر این، در سال‌های اخیر تعدادی مقاله و پایان‌نامه در این زمینه انجام گرفته است. عباسی (۱۳۸۶) به بررسی توزیع متغیرهای تاریخی زبان فارسی در بستر جغرافیایی و تعیین مرزهای هم‌گویی در استان خراسان جنوبی در سه منطقه بیرجند، سریشه و نهبندان می‌پردازد. وی در پژوهش خود صورت‌های واجی، ساخت‌وازی، واژگانی و نحوی را مورد تحلیل و بررسی قرار داده و چگونگی توزیع آنها را بر روی اطلس زبانی تعیین کرده

^۱ Brewer

^۲ Blench

است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در این مناطق آثار باقی‌مانده از دورهٔ میانهٔ زبان فارسی همچون برخی پسوندها و پیشوندها و بعضی واج‌ها و واژگان همچنان قابل مشاهده است. بررسی متغیرها و نقشه‌ها همچنین نشان می‌دهد که گویش‌ها نسبتاً مشابه و در برخی موارد متفاوتند که وجود بعضی از این‌ها نشانگر ویژگی خاص هر گویش می‌باشد.

کدخدا (۱۳۸۸) به بررسی توزیع صد و هشتاد و چهار متغیر زبان فارسی در بستر جغرافیایی و تعیین مرزهای هم‌گویی در گویش سیستانی در بخش‌های شهرکی نارویی و میانکنگی پرداخته است و با توجه به تفاوت‌های موجود در گویش سیستانی در این دو بخش اطلس زبانی این متغیرهای زبانی را ترسیم کرده است. پژوهش وی محدودهٔ بیست و هشت روستای بخش‌های یادشده را شامل می‌شود. در این پژوهش متغیرهای زبانی آن منطقه از جنبه‌های واجی، ساخت‌واژی، واژگانی و نحوی مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که واکه‌های /e/ و /o/ کوتاه فارسی میانه در بخش‌های مورد پژوهش به‌وفور دیده می‌شود. همچنین، یافته‌های این پژوهش مشخص می‌کند که در این مناطق فرایندهای افراستگی و افتادگی واکه‌ای بسامد بالاتری نسبت به دیگر تغییرات واکه‌ای دارند و میزان پسین‌شدگی به‌مراتب کمتر است. حذف واکه‌ها و تشکیل خوشه‌های همخوانی در ابتدای یک واحد زبانی و همچنین حفظ خوشه‌های همخوان آغازی از دورهٔ میانه از خصوصیات بارز گویشی در دو بخش مورد بررسی در این پژوهش می‌باشد.

آقاگل‌زاده (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «الگویی برای گردآوری داده‌های گویشی و تنوعات لهجه‌ای و تهیهٔ نقشه زبان‌شناسی (اطلس زبانی)»، شیوهٔ تهیهٔ اطلس زبانی در مناطق جغرافیایی را ارائه می‌دهد و کار خود را در نهایت منتهی به تهیهٔ بخشی از اطلس زبانی ایران در مورد گویش مازندرانی معرفی می‌کند. وی در پایان الگوی پیشنهادی خود را به‌عنوان طرحی که قابلیت تعمیم و عملیاتی شدن به سایر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی را دارد، معرفی می‌کند.

اسماعیلی و کنعانی (۱۳۸۹) در مقاله‌ای به ارائهٔ الگویی برای تهیهٔ اطلس زبانی گویش‌های مناطق کویری می‌پردازند. به اعتقاد آنها، با توجه به تنوعات گستردهٔ گویشی

در مناطق کویری، یکی از بهترین راهکارها برای بررسی دقیق‌تر این گویش‌ها ترسیم مرزهای زبانی بین گویش‌ها و تهیه اطلس زبانی این مناطق می‌باشد. در این مقاله، کلیه گویش‌های مناطق کویری مورد استفاده در ۸ استان کویری ایران به صورت فهرست‌وار معرفی می‌شوند.

بصیرت و رضاقلی فامیان (۱۳۹۰) در مقاله‌ای با عنوان «به سوی طراحی اطلس زبانی گویش گیلکی» کوشیده‌اند ضمن تهیه اطلسی بر مبنای صد واژه، به دو پرسش اساسی پاسخ دهند؛ پرسش اول این که در گویش گیلکی چه فرایندهای آوایی رخ می‌دهد؟ و پرسش دوم این که شهرستان‌های مرکزی استان با شهرستان‌های غیر مرکزی چه تفاوتی از نظر وقوع فرایندهای آوایی دارند؟ به اعتقاد نگارندگان، به کمک چنین اطلسی می‌توان مرز گویش‌های گیلکی، تالشی و ترکی را نیز در استان گیلان نمایش داد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در شهرستان‌های غیر مرکزی، به ویژه شهرستان رودسر، بسامد فرایندهای آوایی نسبت به شهرستان‌های مرکزی استان بیشتر است.

۳. توصیف و تحلیل داده‌های واکه‌ای

صورت‌های واجی شناسایی شده در این پژوهش را می‌توان بر اساس شیوه تولید و طبیعت واجی‌شان به سه طبقه صورت‌های واکه‌ای، صورت‌های همخوانی و صورت‌های مربوط به ساخت هجا تقسیم کرد.

کار^۱ (۲۰۰۶) در معرفی ویژگی واکه‌ها از عدم وجود هیچ مانع و بست در مسیر جریان هوا به هنگام تولید آنها یاد می‌کند و عقیده دارد که واکه‌ها بر خلاف همخوان‌ها دارای ویژگی رسایی هستند. در این پژوهش، صورت‌های واکه‌ای مشاهده شده در قالب تبدیل یک واکه به واکه دیگر و یا حفظ واکه به لحاظ بررسی در زمانی آن با دوره میانه می‌باشند. صورت‌های واکه‌ای از لحاظ کیفیت گفتار به دو دسته واکه‌های ساده و مرکب تقسیم می‌شوند. آنها همچنین بر طبق جهت تغییرشان به فرایندهای افراستگی واکه‌ای، افتادگی واکه‌ای، پسین‌شدگی واکه‌ای، پیشین‌شدگی واکه‌ای، افراستگی - پسین‌شدگی واکه‌ای،

¹ Carr

افراشتگی - پیشین شدگی واکه‌ای، حفظ واکه، ساده‌سازی واکه‌ای^۱ و مرکب‌شدگی واکه‌ای^۲ قابل تقسیم می‌باشند.^۳

۳. ۱. صورت‌های واکه‌ای ساده

به اعتقاد حق‌شناس (۱۳۸۰: ۱۲۰)، هرگاه در تولید یک واکه اندام‌های گویایی در یک حالت بمانند، به طوری که در تمام مراحل تولید شکل آنها، ارتفاع و حالت زبان یکسان بماند، آن واکه را ساده می‌نامند. وی عنوان می‌کند که واکه‌های a, e, o, i, u و ω به‌عنوان واکه‌های ساده زبان فارسی شناخته می‌شوند. کار (۲۰۰۶) نیز می‌گوید در تولید واکه‌های ساده، لب‌ها و زبان بیشترین نقش را ایفا می‌کنند. در گویش کوهبنانی نیز هر شش واکه ساده فارسی معیار وجود دارد. در ادامه، به بررسی فرایندهای افراشتگی، افتادگی، پسین‌شدگی، پیشین‌شدگی، افراشتگی-پسین‌شدگی، افراشتگی-پیشین‌شدگی و مرکب‌شدگی واکه‌های ساده و همچنین حفظ واکه‌های فارسی دوران میانه در گویش کوهبنانی می‌پردازیم.

۳. ۱. ۱. افراشتگی واکه‌ای

جهانگیری (۲۰۰۰) عقیده دارد که فرایند قدرتمند برخاستگی [افراشتگی] واکه‌ای، در زمانی در دوره میانه آغاز شده و تا امروز ادامه یافته است. واکه‌های ساده گویش کوهبنانی در دو منطقه مورد پژوهش در سه حالت دچار افراشتگی واکه‌ای می‌شوند: تبدیل a به u ، تبدیل a به o و تبدیل ω به e .

(۱) افراشتگی واکه a و تبدیل آن به واکه u در گویش کوهبنانی

PH1 : do|nam PH2 : baran

^۱ monophthongization

^۲ diphthongization

^۳ با توجه به تعداد متغیرهای ارائه‌شده، نمودار درصد فراوانی تعدادی از متغیرهای واکه‌ای به صورت تصادفی ارائه خواهد شد.

^۴ در این پژوهش نشانه PH به‌منظور معرفی هر متغیر آوایی (phonological variable) یا صورت آوایی به کار رفته است.

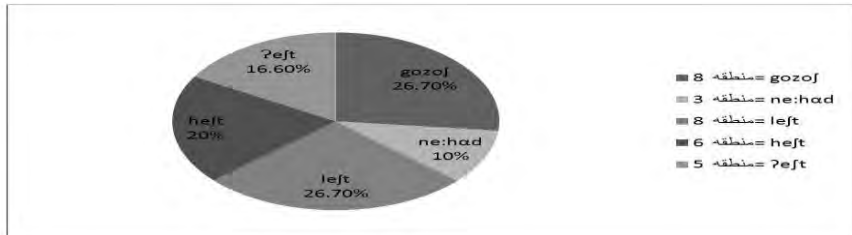
صورت زبانی PH1 نشان می‌دهد که واژه *a* در واژه *do|nam* در کلیه مناطق مورد پژوهش افراشته می‌شود و به صورت *u* تلفظ می‌شود. این افراستگی به جز در روستاهای ده علی، شکرآباد، گراکوییه و فیدکوییه که صورت *do:|num* را به کار می‌برند، در بقیه مناطق، همراه با حذف همخوان خیشومی پایانی *m* می‌باشد. بنابراین، این واژه در سایر مناطق به صورت‌های *do|pū*، *do|bū* و *do|nū* به کار می‌رود. افراستگی واکه‌ای در صورت زبانی PH2 نیز به جز در کوهبنان و شانزده روستای بیدان، گیتری، درگزگ، دولت‌آباد، ده علی، گراکوییه، فیدکوییه، شکرآباد، رتک، کاروانگاه، عباس‌آباد، گردوکیج، سرآسیاب، درب هود، درب جیزی و کوه قلعه که صورت *bare|* کاربرد دارد، در سیزده روستای شورک، ده خواجه، کهن، گازکهن، الله‌آباد، ده شور، شورک، کهن، بیدان، حسین‌آباد، مگسو، فتح‌آباد و جور اتفاق می‌افتد تا این واژه به صورت *barū* به کار رود.

۲) افراستگی واژه *a* و تبدیل آن به واژه *o* در گویش کوهبنانی

PH3 : *goza|t*

در صورت زبانی PH3 واژه *a* تنها در هشت روستای منطقه کوهبنان دچار افراستگی واکه‌ای می‌شود و به صورت *o* تلفظ می‌شود که این فرایند همراه با حذف *t* پایانی می‌باشد. بنابراین این واژه در این منطقه کوهبنان شامل کوهبنان، جور، ده خواجه، گازکهن، دولت‌آباد، درگزگ، سرآسیاب و افزاد به صورت *gozo|* به کار می‌رود. در سایر مناطق مورد پژوهش این صورت زبانی دچار تغییرات بیشتری می‌شود. در سه روستای رتک، کهن و بیدان از منطقه خرم‌دشت صورت *ne:had* به کار می‌رود که یک صورت زبانی واژگانی محسوب می‌شود و احتمالاً بازمانده صورت زبانی این واژه در دوران میانه زبان فارسی می‌باشد که به صورت *nihad* (مکنزی، ۱۳۷۹: ۲۹۱) بوده است. در این واژه همچنین هجای اول - یعنی هجای *go* - در نوزده روستای دیگر حذف می‌شود و واژه *a* هجای دوم طبق فرایند افراستگی تبدیل به واژه *e* می‌شود. بنابراین صورت زبانی PH3 در پنج روستای گیتری، ده سیدها، کاروانگاه، عباس‌آباد، گردوکیج به صورت *Pe|t* کاربرد دارد و در شش روستای شورک، حسین‌آباد، درب هود، درگزگ، درب جیزی و

دولت آباد به صورت *heft* تلفظ می‌شود. در هشت روستای منطقه خرمدشت شامل ده علی، گراکوئی، فیدکوئی، شکرآباد، مگسو، فتح‌آباد کوه قلعه و ده شور صورت *left* به کار می‌رود.



شکل ۱: نمودار درصد فراوانی افزایشی واکه *a* در واژه *gozaf*

PH4: kodza

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه *a* فارسی معیار در بیشتر مناطق مورد پژوهش افزایش می‌شود و به صورت *o* تلفظ می‌شود. بنابراین این واژه به صورت *kodzo* به کار می‌رود. در چهار روستای گراکوئی، فیدکوئی، شکرآباد و رتک همین صورت به همراه کشیدگی آوایی *o* هجای اول و به صورت *ko:dzɔ* کاربرد دارد. تنها در شش روستای دیگر این منطقه، از جمله ده علی، واکه *a* حذف می‌شود و واژه *ko:dz* به کار می‌رود. در روستای ده علی علاوه بر صورت *ko:dz* صورت معیار نیز رایج است.

۳) افزایشی واکه *æ* و تبدیل آن به واکه *e* در گویش کوهبنانی

PH5: zendzir *PH6: pæšiman*

صورت‌های زبانی *PH5* و *PH6* نشان می‌دهند که واکه *æ* فارسی معیار در این واژه‌ها در تمامی مناطق مورد پژوهش به *e* تبدیل می‌شود و افزایشی واکه‌ای صورت می‌گیرد. واکه *æ* در متغیر *PH5* در تمامی نقاط مورد پژوهش دچار افزایشی می‌گردد و به *e* تبدیل می‌شود. بنابراین این واژه به جز در هشت منطقه کوهبنان، افزاد، شورک، جور، ده خواجه، گازکهن، دولت‌آباد، و گیتری که به صورت *zendzir* به کار می‌رود، در بقیه مناطق همراه با

^۱ در این پژوهش برای جلوگیری از حجیم‌تر شدن مقاله تنها نمودار توزیع چند صورت واکه‌ای ارائه شده است.

حذف همخوان خیشومی n ، به صورت $zēdʒir$ تلفظ می‌شود. در شش روستای ده علی، گراکوئی، فید کوئی، شکر آباد، شورک و فتح‌آباد علاوه بر افراستگی و خیشومی‌شدگی، این واکه دچار کشش واکه‌ای نیز می‌شود و به صورت $zē:dʒir$ به کار می‌رود. واکه a در واژه PH6 نیز در تمامی مناطق افراشته می‌شود و به واکه e تبدیل می‌شود. این واژه در منطقه خرم‌دشت به صورت‌های $peʃimū$ و $peʃemū$ و در منطقه کوهبنان به صورت‌های $peʃemū$ و $peʃejmū$ به کار می‌رود.

۳. ۱. ۲. افتادگی واکه‌ای

بر عکس واکه‌های افراشته، در واکه‌های افتاده میزان افراستگی زبان در حد صفر می‌باشد. در هنگام فراگویی واکه‌های افتاده لب‌ها از هم کاملاً دور می‌مانند، از همین رو به آنها واکه‌های باز می‌گویند. در زبان فارسی واکه‌های a و $æ$ به‌عنوان واکه‌های افتاده شناخته می‌شوند (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۷: ۲۲). همانند پدیده افراستگی، جایگزینی یک واکه با واکه دیگری که نسبت به آن افتاده‌تر محسوب می‌شود، در برخی گویش‌ها امکان دارد که با عنوان فرایند افتادگی واکه‌ای شناخته شود. نمونه‌هایی از فرایند افتادگی واکه‌ای در گویش کوهبنانی به صورت تبدیل i به e ، تبدیل e به $æ$ ، تبدیل u به o و تبدیل o به a می‌باشد.

۱) افتادگی واکه i و تبدیل آن به واکه e در گویش کوهبنانی

واکه i از جمله واکه‌های زبان فارسی باستان است که خود باقی‌مانده واکه‌های i و e هند و اروپایی می‌باشد. این واکه نیز از دوره باستان تا فارسی جدید دچار تحولاتی شده است. واکه i کوتاه دوران میانه اغلب در فارسی جدید تبدیل به e می‌شود (باقری، ۱۳۸۰: ۳۳-۳۲).

risman:PH7

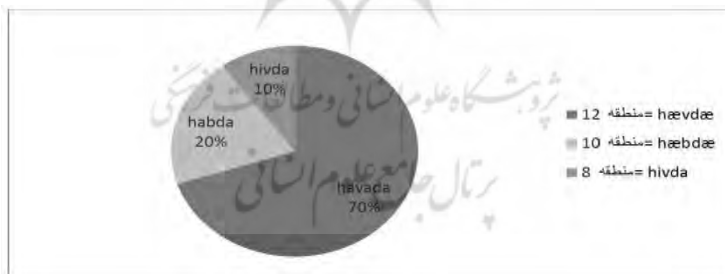
صورت زبانی PH7 نشان می‌دهد که واکه i به جز در شش روستای منطقه خرم‌دشت شامل رتک، شکرآباد، فید کوئی، ده علی، گراکوئی و کهن که دچار کشش آوایی می‌شود و به صورت $ri:smū$ کاربرد دارد، در سایر مناطق مورد پژوهش افتاده شده و به صورت e تلفظ می‌گردد. در روستاهای افزاد، شورک، گاز کهن، گیتی، ده خواجه و بیدان مشاهده

شده است که واژه *risman* علاوه بر افتادگی واکه‌ای، همخوان *m* به همخوان *b* تغییر می‌کند تا صورت *resbū* کاربرد پیدا کند و در سایر مناطق مورد پژوهش صورت *resmū* به کار می‌رود.

۲) افتادگی واکه *e* و تبدیل آن به واکه *æ* در گویش کوهبنانی

hefdæh:PH8

صورت زبانی PH8 نشان می‌دهد که واکه *e* به جز در کوهبنان، جور، الله‌آباد، ده شور، درب گزک، دولت‌آباد افزاد و ده خواجه که دچار افراستگی واکه‌ای می‌شود، در بقیه مناطق مورد پژوهش به واکه *æ* تبدیل می‌شود و افتادگی واکه‌ای رخ می‌دهد. کاربرد واکه *æ* به جای واکه *e* در این مناطق نشان می‌دهد که در روند تغییر واکه *æ* به *e* از فارسی میانه به فارسی جدید، این مناطق دچار تغییر نشده‌اند و همچنان واکه *æ* فارسی میانه را مورد استفاده قرار می‌دهند. بنابراین این واژه در این مناطق به صورت‌های *haevdæ* و *haebdæ* به کار می‌رود. در مناطقی که افتادگی واکه‌ای رخ نمی‌دهد، متغیر فوق به صورت *hivdæ* به کار می‌رود.



شکل ۲: نمودار درصد فراوانی افتادگی واکه *e* در واژه *hefdah*

۳) افتادگی واکه *u* و تبدیل آن به واکه *o* در گویش کوهبنانی

واکه *u* در زبان فارسی باقی‌مانده واکه *u* از زبان هند و اروپایی است. این واکه در طول سه دوره تحولی، یا بدون تغییر به دوره جدید رسیده است و یا به کلی حذف شده و یا تبدیل به واکه‌های دیگر شده است. در زبان فارسی جدید نیز

واکه *u* در برخی از واژه‌ها تبدیل به مصوت *u* می‌شود و هر دو صورت آن در زبان به کار می‌روند (باقری، ۱۳۸۰: ۴۲-۳۸).

bute: PH9

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه *u* در تمامی مناطق مورد پژوهش به صورت *o* تلفظ می‌شود و در نتیجه فرایند افتادگی واکه‌ای رخ می‌دهد. بنابراین این واژه در کلیه مناطق مورد پژوهش به صورت *bote* کاربرد دارد.

۴) افتادگی واکه *o* و تبدیل آن به واکه *a* در گویش کوهبنانی

[jirxor: PH10

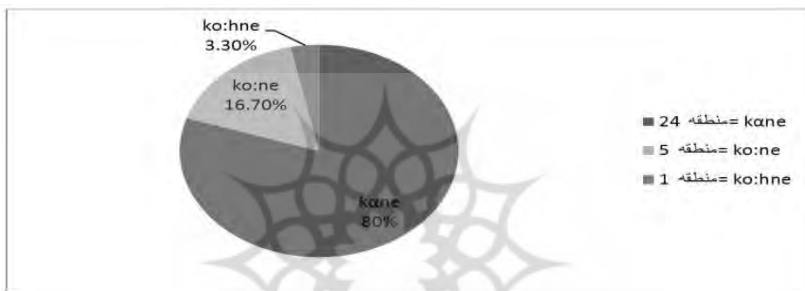
صورت زبانی PH10 نشان می‌دهد که واکه *o* به جز در روستاهای درب هود، درب جیزی، سرآسیاب، افزاد و ده خواجه که بدون تغییر باقی می‌ماند و صورت معیار *jirxor* کاربرد دارد، در بقیه مناطق مورد پژوهش تبدیل به *a* می‌شود و افتادگی واکه‌ای رخ می‌دهد. بنابراین در بیست و پنج روستای مورد پژوهش صورت *jirxar* کاربرد دارد.

taevæqo? : PH11

صورت زبانی PH11 نشان می‌دهد که واکه *o* در بیشتر مناطق مورد پژوهش تبدیل به واکه *a* می‌شود و افتادگی واکه‌ای انجام می‌شود. واکه *o* در این واژه تنها در روستاهای درب هود، درب جیزی، سرآسیاب، افزاد و ده خواجه دچار افراستگی واکه‌ای نمی‌شود؛ در این مناطق حذف همخوان پایانی *ʔ* باعث کشش جبرانی واکه *o* می‌شود و این واژه به صورت *teväqo?* به کار می‌رود. در سایر مناطق مورد پژوهش واکه *o* دچار افراستگی واکه‌ای می‌شود و تبدیل به واکه *a* می‌شود. در هفت روستای کهن، رتک، شکرآباد، فیدکوئی، گراکوئی، ده علی و کوه قلعه واکه *e* هجای اول دچار کشیدگی واکه‌ای نیز می‌شود و این متغیر به صورت *te:væqa* به کار می‌رود و در روستاهای ده خواجه، دولت آباد، گیتی، گاز کهن، در گزگ، کوهبنان، جور، بیدان، شورک، کاروانگاه، ده جبار، ده سیدها، عباس آباد، مگسو و فتح آباد *teväqa* کاربرد دارد.

kohne : PH13 zohr :PH12

این صورت‌های زبانی نشان می‌دهند که واکه *o* به‌جز در روستاهای شورک، ده جبار، گازکهن، گیتری و کاروانگاه در منطقه کوهبنان، در واژه *zohr* و روستاهای شورک، ده جبار، گازکهن، گیتری، کاروانگاه و شکرآباد در واژه *kohne* در بقیه مناطق دچار افتادگی می‌شود و به‌صورت *a* به کار می‌رود. بنابراین این واژه‌ها در بیشتر مناطق به‌صورت‌های *zar* و *kane* تلفظ می‌شوند. در شکرآباد نمونه‌ای از کاربرد صورت معیار PH13 همراه با کشیدگی واکه *o* به‌صورت *ko:hne* مشاهده شده است.



شکل ۳: نمودار درصد فراوانی افتادگی واکه *o* در واژه *kohne*

۳.۱.۳. پیشین‌شدگی واکه‌ای

به واکه‌هایی که به هنگام تلفظ آنها، حجم زبان به طرف دندان‌های پیشین رانده می‌شود و زبان به درجات بلند و میانی افزایش می‌گردد و یا در کف دهان در پشت دندان‌های پیشین پایین قرار می‌گیرد، واکه‌های پیشین گفته می‌شود، مانند واکه‌های *i*، *e* و *æ* (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۷: ۲).

فرایند پیشین‌شدگی در گویش کوهبنانی در سه حالت زیر مشاهده شده است: تبدیل *u*

به *i*، تبدیل *o* به *e* و تبدیل *a* به *æ*.

(۱) پیشین‌شدگی واکه *u* و تبدیل آن به واکه *i* در گویش کوهبنانی

bud :PH14

واکه *u* در صورت زبانی PH14 در تمامی نقاط مورد پژوهش با پیشین‌شدگی تبدیل به واکه *i* می‌شود و این واژه به صورت *bid* کاربرد دارد.^۱

۲) پیشین‌شدگی واکه *o* و تبدیل آن به واکه *e* در گویش کوهبنانی

bodo: PH15

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه *o* در کلیه مناطق مورد پژوهش دچار پیشین‌شدگی شده و تبدیل به *e* می‌شود. بنابراین این واژه به صورت *bode* کاربرد دارد.

۳) پیشین‌شدگی واکه *a* و تبدیل آن به واکه *æ* در گویش کوهبنانی

æftab : PH16

این صورت زبانی نشان می‌دهد که در کلیه مناطق مورد پژوهش، واکه *a* در هجای اول به صورت *æ* تلفظ می‌شود و بنابراین پیشین‌شدگی واکه‌ای رخ می‌دهد. واکه *a* هجای دوم نیز در روستاهای کوهبنان، بیدان، افزاد، جور، درگزگ، گازکهن، گیتری، دولت‌آباد، ده خواجه، کهن، درب هود، درب جیزی، گردو کج، عباس‌آباد، سر آسیاب و ده سیدها به واکه مرکب *eu* تبدیل می‌شود؛ بنابراین در این مناطق متغیر PH16 به صورت *æfteu*^۲ به کار می‌رود. واکه *a* هجای دوم در شش روستای ده علی، رتک، فید کوئی، گراکوئی، شکرآباد و کوه قلعه منطقه خرم‌دشت طبق فرایند افراستگی به واکه *o* تبدیل شده است و در هفت روستای فتح‌آباد، مگسو، درب گزک، دولت‌آباد، شورک، ده جبار و کاروانگاه نیز به واکه *e* تغییر می‌کند. بنابراین، در این مناطق متغیر PH16 به صورت‌های *æfto* و *æfte* کاربرد دارد.

^۱ در کوهبنان، اکثریت سادات کوهبنان در ناحیه‌ای خاص در شهر کوهبنان زندگی می‌کنند که به محله پایین شهر مشهور می‌باشد، به گفته کردی کریم‌آبادی (۱۳۷۷)، اکثریت این سادات اعرابی هستند که سال‌ها پیش ساکن کوهبنان شده‌اند و به تدریج زبان فارسی را برای گفتار خود انتخاب کرده‌اند. در کوهبنان، واکه *i* در متغیر *bud* تنها در بین مردم این محله از شهر کوهبنان دچار پیشین‌شدگی می‌شود.

^۲ واکه مرکب *eu* در گویش کوهبنانی مشاهده شده است.

۳. ۱. ۴. پسین‌شدگی واکه‌ای

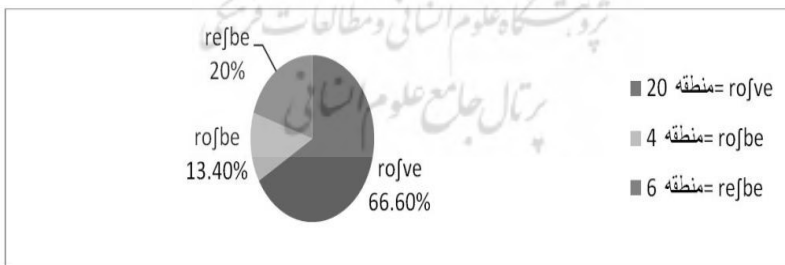
بر خلاف واکه‌های پیشین، واکه‌هایی که به هنگام فراگویی‌شان، حجم زبان به طرف عقب دهان کشیده می‌شود و در همان حال زبان به درجات متفاوت افزایش یافته می‌شود، و یا در کف دهان قرار می‌گیرد، واکه‌های پسین گفته می‌شود؛ مانند واکه‌های *o* و *a* (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۷: ۲۱).

در گویش کوهبنانی در دو مورد پسین‌شدگی واکه‌ای رخ می‌دهد که عبارتند از: تبدیل *e* به *o* و تبدیل *a* به *a*.

(۱) پسین‌شدگی واکه *e* و تبدیل آن به واکه *o* در گویش کوهبنانی

refve: PH17

صورت زبانی PH17 نشان می‌دهد که واکه *e* در گویش کوهبنانی به جز در کوهبنان، افزاد، ده خواجه، جور، ده شور و الله‌آباد، در سایر مناطق مورد پژوهش به صورت *o* تحقق پیدا می‌کند و دچار پسین‌شدگی واکه‌ای می‌شود و واژه به صورت *rofve* یا *rojbe* به کار می‌رود. در مناطقی که پسین‌شدگی واکه‌ای رخ نمی‌دهد، واژه به صورت *refbe* تلفظ می‌شود.



شکل ۴: نمودار درصد فراوانی پسین‌شدگی واکه *e* در واژه *refve*

(۲) پسین‌شدگی واکه *a* و تبدیل آن به واکه *o* در گویش کوهبنانی باقری در مورد پسین‌شدگی واکه *a* و تبدیل آن به واکه *o* در زبان فارسی می‌گوید که گاهی برای حفظ هماهنگی واجی در یک واژه جای واکه *a* با *o* عوض می‌شود. در

برخی واژه‌ها نیز که صورت باستانی آنها دارای واکه a می‌باشد در دوره میانه و جدید تبدیل به a می‌شود (۱۳۸۰: ۲۵-۲۴).

Parus:PH18

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه a در تمامی نقاط مورد پژوهش به واکه a تبدیل شده است و بنابراین پسین‌شدگی واکه‌ای صورت گرفته است. در تمامی روستاهای منطقه خرم‌دشت، واکه مورد نظر علاوه بر پسین‌شدگی دچار کشیده‌شدگی آوایی نیز می‌شود. بنابراین متغیر PH18 در مناطق مورد پژوهش به صورت‌های *Parus* و *Pa:rus* به کار می‌رود.

۳. ۱. ۵. افراشتگی - پیشین‌شدگی واکه‌ای

فرایند افراشتگی - پیشین‌شدگی واکه‌ای زمانی رخ می‌دهد که یک واکه جایگزین واکه‌ای شود که به‌طور هم‌زمان هم افراشته‌تر و هم در جایگاه پیشین آن قرار داشته باشد. در گویش کوهبنانی این فرایند در دو حالت اتفاق می‌افتد که عبارتند از: تبدیل a به i و تبدیل a به i .

(۱) افراشتگی - پیشین‌شدگی واکه a فارسی معیار و تبدیل آن به واکه i در گویش کوهبنانی

Poftad:PH19

صورت زبانی PH19 نشان می‌دهد که به‌جز در چهار روستای شورک، ده جبار، گازکهن و کاروانگاه که صورت معیار *Poftad* کاربرد دارد، در سایر مناطق مورد پژوهش واکه a به واکه i تبدیل می‌شود و افراشتگی - پیشین‌شدگی واکه‌ای رخ می‌دهد. در کلیه روستاهای منطقه خرم‌دشت به‌جز در حسین‌آباد، بیدان و کهن‌واکه o هجای اول به‌صورت کشیده تلفظ می‌شود و این واژه به‌صورت *o:ftid* کاربرد دارد و در سایر مناطق مورد پژوهش به‌صورت *oftid* تلفظ می‌شود. این فعل در صیغه سوم شخص مفرد هرگاه در جمله قرار گیرد امکان دارد d پایانی آن حذف شود و به‌صورت *i?ofti* به کار رود.

۲) افراشتگی - پیشین شدگی واکه *a* و تبدیل آن به واکه *e* در گویش کوهبنانی

bavær: PH20

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه *a* به‌جز در کوهبنان، جور، ده شور، الله‌آباد، دولت‌آباد و درگزگ که دچار مرکب‌شدگی می‌شود و باعث کاربرد این واژه به‌صورت *beuvær* می‌شود، در بقیه نقاط مورد پژوهش به‌صورت *e* تلفظ می‌شود و بنابراین افراشتگی - پیشین شدگی رخ می‌دهد. صورت زبانی PH20 در شش روستای منطقه خرمدشت شامل ده علی، رتک، شکرآباد، گراکوئیه، فیدکوئیه و کوه قلعه به‌صورت *be:vær* به کار می‌رود و در بقیه مناطقی که افراشتگی - پیشین شدگی رخ می‌دهد، به‌صورت *bevær* کاربرد دارد.

۳. ۱. ۶. افراشتگی - پسین شدگی واکه‌ای

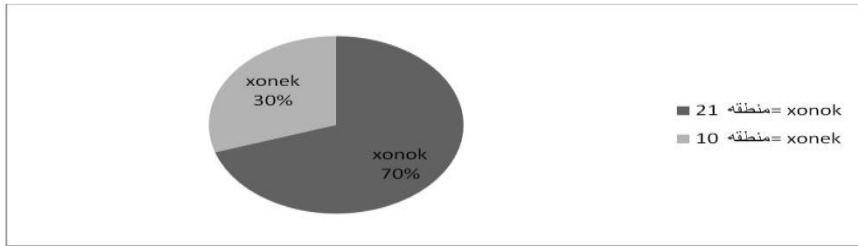
در این فرایند واکه‌ای نیز یک واکه جایگزین واکه دیگری می‌شود که به‌طور هم‌زمان هم افراشته‌تر و هم در جایگاه پسین قرار دارد. در گویش کوهبنانی این فرایند در حالت تبدیل *æ* به *o* اتفاق می‌افتد.

۱) افراشتگی - پسین شدگی واکه *æ* و تبدیل آن به واکه *o* در گویش کوهبنانی

در بعضی از واژه‌های چند هجایی اگر واکه یکی از هجاها *o* یا *u* باشد مصوت *æ* ممکن است تحت تأثیر واکه هجاهای جانبی بدل به *o* شود که گونه‌ای از همسان‌گردی واجی است (باقری، ۱۳۸۰: ۲۰).

xonæk: PH21

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه *æ* در تعدادی از مناطق به‌صورت *o* تلفظ می‌شود و افراشتگی - پسین شدگی صورت می‌گیرد. این واژه به‌جز در ده روستا که فرایند افراشتگی - پسین شدگی رخ نمی‌دهد و صورت *xonek* کاربرد دارد، در سایر مناطق به‌صورت *xonok* تلفظ می‌شود.



شکل ۵: نمودار درصد فراوانی پسین شدگی واکه æ در واژه xonæk

PH22 : pælaeng

این صورت زبانی نشان می دهد که واکه a در تمامی مناطق مورد پژوهش دچار افزایش پسین شدگی - پسین شدگی واکه ای می شود و به واکه o تبدیل می شود و بنابراین به صورت polæng به کار می رود .

۳.۱.۷. مرکب شدگی واکه ای

حق شناس در تعریف فرایند مرکب شدگی واکه ای می گوید که فرایند مرکب شدگی واکه ای هنگامی رخ می دهد که در برخی موارد به منظور تسهیل در گفتار یک واکه مرکب جایگزین واکه ساده در صورت معیار یک واژه می شود (حق شناس، ۱۳۸۰: ۱۴). فرایند مرکب شدگی واکه ای در گویش کوهبنانی در دو حالت مشاهده شده است که عبارتند از: تبدیل a به eu، تبدیل æ به eu.

(۱) مرکب شدگی واکه a و تبدیل آن به واکه مرکب eu در گویش کوهبنانی

PH23 : ?ab

در گویش کوهبنانی می توان مواردی را یافت که یک واکه ساده با حذف همخوان بعدی خود تبدیل به واکه مرکب گردد. صورت زبانی PH23 نشان می دهد که واکه a در تعدادی از مناطق مورد پژوهش، همراه با حذف همخوان پس از خودش، تبدیل به واکه مرکب eu می شود. این واکه در صورت زبانی PH23 به جز در کوهبنان، جور، ده شور، الله آباد، درب گزگ، دولت آباد، افزاد و ده خواجه که به واکه e تبدیل می شود و صورت ?e کاربرد دارد، در سایر مناطق تبدیل به واکه مرکب می شود و مرکب شدگی واکه ای

صورت می‌گیرد. واکه *a* در بیدان، حسین آباد، فتح آباد و مگسو تبدیل به واکه مرکب *ou* می‌شود و این واژه در این مناطق به صورت *ʔou* به کار می‌رود. در هجده منطقه باقی مانده نیز این واکه به واکه مرکب *eu* تبدیل می‌شود و صورت *ʔeu* تلفظ می‌شود. همخوان *b* این واژه در کلیه مناطق مورد پژوهش حذف می‌شود^۱.

۲) مرکب‌شدگی واکه *æ* و تبدیل آن به واکه مرکب *eu* در گویش کوهبنانی

[æb: PH24 læb:PH25

این دو صورت زبانی نشان می‌دهند که واکه *æ* به جز در کوهبنان، جور، ده شور، الله آباد، گاز کهن، گیتری، گردو کج و عباس آباد که تبدیل به واکه *e* می‌شود، در سایر مناطق مورد پژوهش با حذف همخوان بعدی خود تبدیل به واکه مرکب *eu* می‌شود و مرکب‌شدگی واکه‌ای رخ می‌دهد. بنابراین PH24 در مناطق مختلف به دو صورت *leu* و *leu* به کار می‌رود و PH25 به صورت *le* یا *leu* کاربرد دارد.

kæf] : PH26

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه *æ* در برخی مناطق با حذف همخوان بعدی خود تبدیل به واکه مرکب *eu* می‌شود. واکه *a* در صورت زبانی PH26 در سیزده منطقه تبدیل به واکه مرکب *eu* می‌شود و این واژه به صورت *keu* به کار می‌رود. در شش منطقه دیگر نیز مرکب‌شدگی واکه‌ای رخ می‌دهد و واکه *æ* به واکه مرکب *ou* تبدیل می‌شود. در این شش منطقه صورت زبانی *kou* کاربرد دارد. واکه *æ* در هفت منطقه بدون تغییر باقی می‌ماند و صورت *kaf* کاربرد پیدا می‌کند و در چهار منطقه دیگر به واکه ساده *e* تبدیل می‌شود. در این چهار منطقه صورت زبانی *kef* به کار می‌رود.

۳. ۱. ۸. حفظ واکه‌های دورهٔ میانه

واکه‌های زبان فارسی در مسیر انتقال از دوران میانه به دوران جدید تغییر چندانی از لحاظ کیفی و کمی نداشته‌اند. گاهی اتفاق می‌افتد که در گویش و لهجه

^۱ نمونهٔ همین فرایند در واژهٔ *gav* نیز مشاهده شده است.

جغرافیایی خاصی تغییرات واکه‌ای میانه به فارسی معیار جدید اعمال نمی‌شود و همان واکه‌های دوران میانه گویشوران خاص آن منطقه جغرافیایی کاربرد پیدا می‌کنند (ابوالقاسمی، ۱۳۸۶: ۲۶۴).

نمونه‌هایی از این فرایند در گویش کوهبنانی مشاهده شده است که عبارتند از: حفظ واکه *æ* فارسی میانه به جای واکه *e* فارسی معیار، حفظ واکه *e* فارسی میانه به جای واکه *æ* فارسی معیار و حفظ واکه *i* فارسی میانه *e* به جای واکه *i* فارسی معیار.

hefdæh: PH8

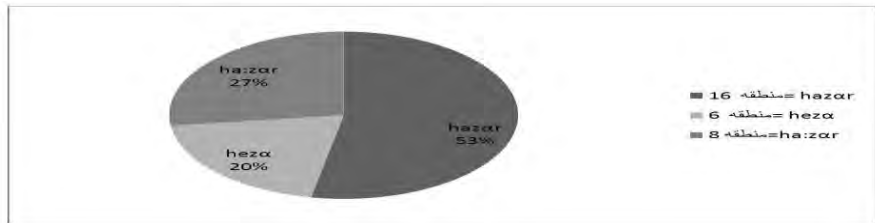
صورت زبانی PH8 نشان می‌دهد که واکه *æ* فارسی میانه (مکنزی، ۱۳۷۹: ۴۲۲-۴۲۱) در بیشتر مناطق مورد پژوهش همچنان حفظ شده است. همان گونه که در مبحث افتادگی واکه‌ای عنوان شد، واکه *æ* فارسی میانه در متغیر PH8 به جز در هشت منطقه کوهبنان، جور، الله‌آباد، ده شور، درب گزک، دولت‌آباد، افزاد و ده خواجه که تبدیل به واکه *ii* شده است و صورت *hivdæ* به کار می‌رود، در کلیه مناطق مورد پژوهش دیگر حفظ شده است. در بیدان، کهن، گردو کج، عباس‌آباد، درب هود، درب چیزی، سرآسیاب، حسین‌آباد، مگسو و فتح‌آباد که واکه *æ* میانه حفظ شده است، همخوان *v* به همخوان *b* تبدیل می‌شود و این واژه به صورت *hæbdæ* به کار می‌رود و در سایر مناطق صورت *hævdæ* کاربرد دارد.^۱

hezar : PH27

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه *æ* فارسی میانه (مکنزی، ۱۳۷۹: ۳۲۲) به جز در شش روستای افزاد، ده خواجه، سرآسیاب، درب هود، درب چیزی و کهن که تبدیل به واکه معیار *e* شده است و صورت زبانی *heza* کاربرد دارد، در سایر مناطق مورد پژوهش همچنان حفظ شده است. در هشت روستای منطقه خرم‌دشت واکه میانه *æ* دچار کشش

^۱ نمونه این فرایند در واژه *hedzdah* نیز مشاهده شده است.

آوایی نیز می‌شود و این واژه به صورت *hæ:zar* به کار می‌رود و در سایر مناطق مورد پژوهش صورت *hæzar* کاربرد دارد.



شکل ۶: نمودار درصد فراوانی حفظ واکه میانه æ در واژه *hezar*

næ: PH28

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه *e* فارسی میانه (مکنزی ۱۳۷۹: ۲۳۸) در کلیه مناطق مورد پژوهش همچنان حفظ شده است؛ بنابراین این واژه در تمام مناطق مورد پژوهش به صورت *ne* به کار می‌رود. البته در برخی مناطق علاوه بر این صورت زبانی از واژه *næ:xer* نیز استفاده می‌شود که یک صورت زبانی واژگانی محسوب می‌شود.

gorixt: PH29

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه *e* فارسی میانه (مکنزی، ۱۳۷۹: ۳۵۲) در کلیه مناطق مورد پژوهش حفظ شده است. علاوه بر این همخوان *t* پایانی نیز در تمام مناطق مورد پژوهش حذف می‌شود و این واژه به صورت *gorex* به کار می‌رود.

۲.۳. متغیرهای واکه‌ای مرکب

کار نیز عقیده دارد برخلاف واکه‌های ساده که به‌هنگام تولید آنها وضعیت زبان و لب‌ها ثابت است، در برخی زبان‌ها دسته دیگری از واکه‌ها نیز هست که از راه جابه‌جایی یا تغییر در وضعیت زبان و لب‌ها تولید می‌شوند (۲۰۰۶). طبق نظر مشکوه‌الدینی، واکه‌های مرکب از راه حرکت غلت یا جابه‌جایی از پسین به پیشین و یا برعکس از پیشین به پسین و نیز از افتاده به افراشته و یا از نیم‌افراشته به افراشته تولید می‌شوند. بنابراین برعکس واکه‌های

ساده، این واکه‌ها از دو جزء سازنده و تحلیل‌رونده تشکیل شده‌اند (مشکوه‌الدینی، ۱۳۷۷: ۲۵). بابک در پژوهش خود عنوان می‌کند که در گویش کوهبنانی مثل بیشتر گویش‌های استان کرمان همچون کرمانی، زرنندی، بردسیری و... دو واکه مرکب *eu* و *ou* وجود دارد که بسامد بالایی نیز دارند (بابک، ۱۳۷۵: ۳). در این بخش به اعمال فرایند ساده‌شدگی برخی واکه‌های مرکب در گویش کوهبنانی خواهیم پرداخت.

۳.۲.۱. ساده‌شدگی واکه‌های مرکب

در گویش کوهبنانی می‌توان مواردی را یافت که یک واکه مرکب به منظور تسهیل در تلفظ تبدیل به واکه ساده می‌شود. حالات زیر نمونه‌هایی از این فرایند می‌باشند: تبدیل واکه مرکب *ou* به واکه ساده *u*، تبدیل واکه مرکب *eu* به واکه ساده *e*، تبدیل واکه مرکب *ou* به واکه ساده *e* و تبدیل واکه مرکب *ou* به واکه ساده *o*.

(۱) ساده‌شدگی واکه مرکب *ou* و تبدیل آن به واکه ساده *u* در گویش کوهبنانی

[ouhæɾ: PH30

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه مرکب *ou* به جز در هشت منطقه کاروانگاه، گازکهن، جور، عباس‌آباد، ده شور، شورک، ده جبار و گیتری که تبدیل به واکه مرکب *eu* می‌شود، و صورت زبانی [euhæɾ] کاربرد دارد، در بقیه مناطق مورد پژوهش تبدیل به واکه ساده *u* می‌شود. صورت زبانی PH30 در هشت روستای ده علی، کوه قلعه، رتک، بیدان، حسین‌آباد، شکرآباد، گراکوئیه و فیدکوئیه همراه با حذف همخوان چاکنایی *h* و کشیدگی واکه ساده می‌باشد و این واژه به صورت [u:r] به کار می‌رود. در چهارده نقطه باقی‌مانده نیز این واژه به صورت [uhæɾ] تلفظ می‌شود.

(۲) ساده‌شدگی واکه مرکب *eu* و تبدیل آن به واکه ساده *e* در گویش کوهبنانی

hejran:PH31

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه مرکب *eu* به جز در هفت روستای ده علی، کوه قلعه، رتک، حسین‌آباد، شکرآباد، گراکوئیه و فیدکوئیه که گویشورانشان از واژه *ma:tæl*

(شکل محلی واژه *mo?atael* «معطل» است) و نوعی صورت زبانی واژگانی محسوب می‌شود، استفاده می‌کنند، در سایر مناطق مورد پژوهش به واکه ساده *e* تبدیل می‌شود. در این بیست و سه نقطه واکه هجای دوم این متغیر نیز دچار افزایش واکه‌ای می‌شود.

۳) ساده شدگی واکه مرکب *ou* و تبدیل آن به واکه ساده *e* در گویش کوهبنانی

***qoum*: PH32**

صورت زبانی PH35 نشان می‌دهد که واکه مرکب *ou* به‌جز در ده منطقه کوهبنان، الله‌آباد، جور، ده شور، شورک، کاروانگاه، گیتری، گازکهن، ده سیدها و ده جبار که بدون تغییر باقی می‌ماند و صورت معیار *qoum* در این مناطق کاربرد دارد، در بقیه نقاط مورد پژوهش به واکه ساده *e* تبدیل می‌شود. بنابراین، این واژه در بیست روستای مورد پژوهش به صورت *qem* تلفظ می‌شوند.

***doure*:PH33**

صورت زبانی PH33 نشان می‌دهد که واکه مرکب *ou* به‌جز در دو منطقه عباس آباد و گردو کج که بدون تغییر باقی می‌ماند و صورت معیار *doure* در این مناطق کاربرد دارد، در سایر مناطق مورد پژوهش به واکه ساده *e* تبدیل می‌شود. بررسی داده‌های به‌دست آمده نشان می‌دهد که واکه ساده‌شده *e* در شش روستای رتک، ده علی، کوه قلعه، گراکوئیه، فیدکوئیه و کهن دچار کشش آوایی نیز می‌شود؛ بنابراین صورت زبانی PH33 در این مناطق به صورت *de:re* به کار می‌رود و در بیست و دو منطقه دیگر صورت *dere* کاربرد دارد.

۴) ساده‌شدگی واکه مرکب *ou* و تبدیل آن به واکه ساده *o* در گویش کوهبنانی

***?oulad*: PH34**

این صورت زبانی نشان می‌دهد که واکه مرکب *ou* به‌جز در ده علی، رتک، کوه قلعه، شکرآباد، گراکوئیه، فیدکوئیه و کهن که بدون تغییر باقی می‌ماند و صورت *?oulad* در این مناطق کاربرد دارد، در سایر مناطق مورد پژوهش به واکه ساده *o* تبدیل می‌شود و این واژه به صورت *?olad* به کار می‌رود.

۴. نتیجه‌گیری

نتایج حاصل از بررسی شواهد زبانی نشان می‌دهد که گویش کوهبنانی در دو منطقه کوهبنان و خرم‌دشت به صورت یکپارچه می‌باشد و واحدهای زبانی تا حد زیادی مشابه به هم به کار می‌روند اما به جهت وجود برخی تفاوت‌های قابل ملاحظه در رفتار زبانی گویشوران در دو منطقه کوهبنان و خرم‌دشت می‌توان قائل به وجود دو لهجه متفاوت در این دو منطقه شد. دلیل این تفاوت‌های لهجه‌ای، هم‌جواری منطقه خرم‌دشت با استان یزد و تأثیرپذیری گویش کوهبنانی این منطقه از گویش یزدی می‌باشد. نتایج به دست آمده از بررسی صورت‌های آوایی نشان می‌دهد که فرایندهای افراستگی و افتادگی واکه‌ای و همچنین کشش واکه‌های ساده نسبت به سایر فرایندهای واکه‌ای از بسامد بالاتری برخوردارند. تفاوت‌ها و ویژگی‌های زبانی در دو منطقه در مقایسه با فارسی معیار عبارتند از:

۱. فرایند افراستگی واکه‌ای در این دو بخش به طور قابل ملاحظه‌ای مشاهده می‌گردد. بررسی داده‌های زبانی نشان می‌دهد که افراستگی واکه a به u در پایان زنجیره آوایی an و am در کلیه مناطق مورد پژوهش دیده می‌شود. علاوه بر این افراستگی واکه‌های a به o و e به e نیز به طور قابل ملاحظه‌ای در هر دو منطقه مورد پژوهش مشاهده می‌شود. در برخی صورت‌های زبانی مشاهده شده است که افراستگی واکه‌ای در برخی روستاهای منطقه خرم‌دشت همراه با کشش آوایی می‌باشد که ویژگی بارز این منطقه محسوب می‌شود. سایر موارد از فرایند افتادگی واکه‌ای نیز تا حد نسبتاً زیادی در این دو منطقه دیده می‌شود که در تعدادی از صورت‌های زبانی، در اکثر روستاهای منطقه خرم‌دشت همراه با کشش آوایی می‌باشد.

۲. بررسی داده‌های زبانی نشان می‌دهد که پیشین‌شدگی واکه‌های u به i ، o به e و a به e به طور قابل ملاحظه‌ای در هر دو منطقه مورد پژوهش مشاهده می‌شود، به ویژه در صورت‌های زبانی $bodo$ و bud که در کلیه مناطق مورد پژوهش به صورت $bode$ و bid به کار می‌روند. فرایند پسین‌شدگی در

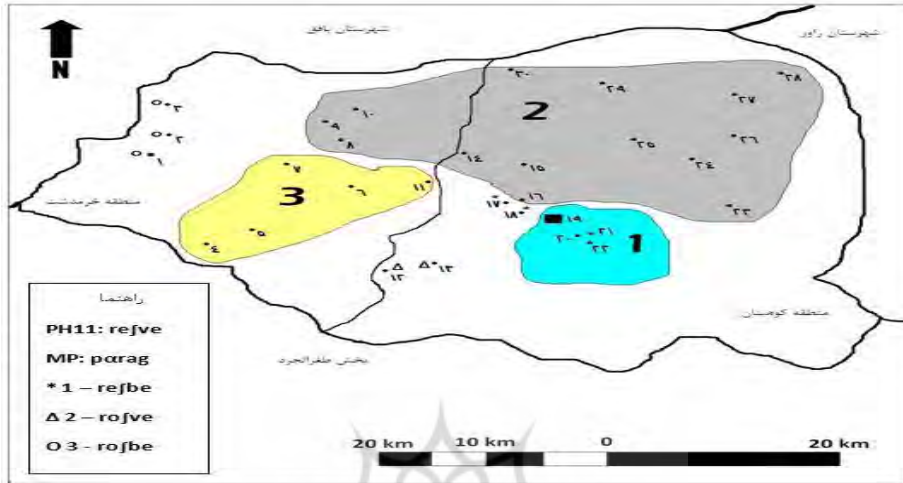
مقایسه با فرایندهای بالا در مناطق مورد پژوهش بسامد کمتری دارد. این فرایند نیز در برخی صورت‌ها همراه با کشش آوایی می‌باشد.

۳. فرایند افراستگی - پیشین‌شدگی در هر دو منطقه بسامد کمتری نسبت به سایر فرایندهای واکه‌ای دارد. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر این است که این فرایند در مورد تبدیل واکه‌های a به i و a به e در گویش کوهبنانی هر دو منطقه رخ می‌دهد. فرایند افراستگی - پسین‌شدگی نیز تنها در تبدیل واکه æ به o مشاهده می‌شود. بررسی داده‌های زبانی در مورد این فرایند نشان می‌دهد که افراستگی - پسین‌شدگی واکه‌ای با بسامد پایین در واژه‌هایی مانند *barang* و *xonæk* دیده می‌شود.

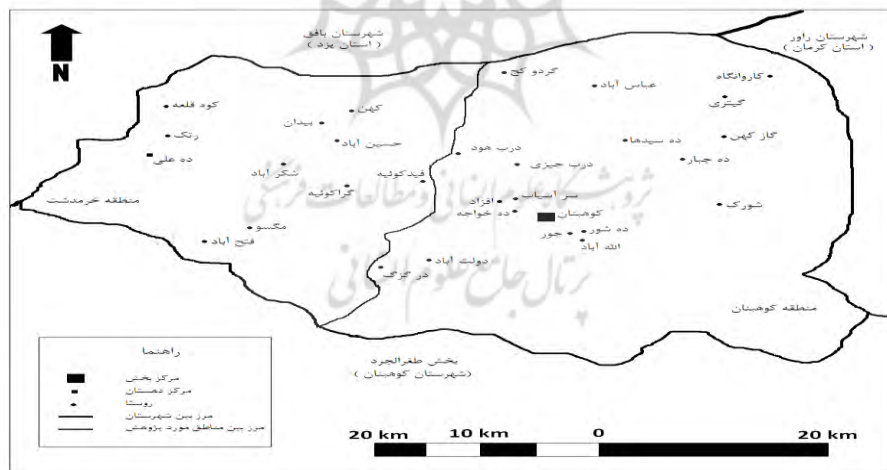
۴. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که مرکب‌شدگی واکه‌های æ و a به واکه مرکب *eu* به‌طور قابل ملاحظه‌ای در کلیه مناطق مورد پژوهش دیده می‌شود. این فرایند در اکثر مواقع همراه با حذف همخوان‌های بعد از واکه ساده می‌باشد، به‌ویژه در واژه‌هایی نظیر *læb* و *ʔab* که در اکثر مناطق مورد پژوهش به صورت‌های *leu* و *ʔeu* به کار می‌روند. همچنین مشخص شد که ساده‌شدگی واکه‌های مرکب *ou* و *ej* و تبدیل آنها به واکه‌های ساده e, o یا a در کلیه مناطق مورد پژوهش به‌طور قابل ملاحظه‌ای دیده می‌شود.

۵. هر چند آثار به‌جامانده از فارسی میانه در گویش کوهبنانی ناچیز است اما همچنان می‌توان مواردی را یافت که واکه‌های دوران میانه زبان فارسی در گویش این منطقه باقی مانده است. برخی واکه‌های دوران میانه زبان فارسی که در فارسی معیار افراشته یا افتاده شده‌اند، در گویش کوهبنانی باقی مانده‌اند؛ وجود واکه a در واژه‌های *hefdæh* و *hezar* که در اکثر مناطق به صورت‌های *havdæ* و *hæzar* به کار می‌روند و حفظ واکه e در واژه *næ* نمونه‌هایی از حفظ واکه‌های دوره میانه در این دو منطقه محسوب می‌شوند.

راهنمای نقشه‌های اطلس زبانی^۱



شکل ۷: نمونه‌ای از نقشه توزیع متغیر واکهای



شکل ۸: نقشه راهنمای مناطق مورد پژوهش

^۱ در این مقاله با توجه به تعداد زیاد نقشه‌های زبانی، فقط نقشه راهنما و یک نمونه از نقشه‌های زبانی ارائه شده است.

منابع

آقاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۹). «الگوی برای گردآوری داده‌های گویشی و تنوعات لهجه‌ای و تهیه نقشه زبان‌شناسی (اطلس زبانی)». خلاصه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران. به کوشش عصمت اسماعیلی و مصطفی جباری. سمنان: دانشگاه سمنان. صص ۱۷-۱.

ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۶). تاریخ زبان فارسی. تهران: انتشارات سمت.

اسماعیلی، عصمت و ابراهیم کنعانی (۱۳۸۹). «شناسایی توصیفی گویش‌های مناطق کویری بر اساس اطلس گویش‌شناسی». خلاصه مقالات همایش بین‌المللی گویش‌های مناطق کویری ایران. به کوشش عصمت اسماعیلی و مصطفی جباری. سمنان: دانشگاه سمنان. صص ۲۴۹-۲۴۵.

بابک، علی (۱۳۷۵). بررسی زبان‌شناختی گویش زرند. کرمان: انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.

باقری، مه‌ری (۱۳۸۰). واج‌شناسی تاریخی زبان فارسی. تهران: انتشارات قطره.

بصیرت، وحید و علی‌رضاقلی فامیان (۱۳۹۰). «به سوی طراحی اطلس زبانی گویش گیلکی». مجله ادب پژوهی. شماره هفدهم. صص ۱۸۳-۱۶۵.

پرمون، یدالله (۱۳۸۵). طرح ملی اطلس زبانی ایران. اصفهان.

جهانگیری، نادر (۱۳۶۵). «لهجه‌شناسی و جغرافیا». مجموعه مقالات سمینار جغرافی (۱). بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.

حق‌شناس، علی محمد (۱۳۸۰). آواشناسی (فونیتیک). تهران: انتشارات نقش جهان.

عباسی، اسماعیل (۱۳۸۶). بررسی توزیع متغیرهای تاریخی زبان فارسی در بستر جغرافیایی و تعیین مرزهای همگونی و تهیه اطلس زبانی نه‌بندان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

کامری، برنارد (۱۳۷۸). اطلس زبان‌ها. ترجمه ارسلان گل‌فام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

کدخدا، حسنعلی (۱۳۸۸). بررسی توزیع ۱۸۴ متغیر زبان فارسی و گویش سیستانی و رسم اطلس زبانی در بخش‌های شهرکی نارویی و میانکنگی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه سیستان و بلوچستان.

کردی کریم‌آبادی، رضا (۱۳۷۷). سیری در جغرافیای تاریخی و طبیعی زرند و کوهستان. کرمان: انتشارات مرکز کرمان‌شناسی.

مشکوه‌الدینی، مهدی (۱۳۷۷). دستور زبان فارسی بر پایه نظریه گشتاری. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.

مکنزی، دیوید نیل (۱۳۷۹). فرهنگ کوچک زبان پهلوی. ترجمه مهشید میرفخرایی. تهران: انتشارات رهنما.

Brewer, W. A. (2008). *Mapping Taiwanese*. Institute of Linguistics. Academia Sinica. Taiwan.

Blench, R. (2009). *The Linguistic Geography of Nigeria and its Implications for Prehistory*. Sheffield University on Nigerian Prehistory.

Carr, P. (2006). *Modern Linguistic Phonology*. Palgrave Publications.

Jahangiri, N. (2000). *A Sociolinguistic Study of Persian in Tehran*. Tokyo Press Co., Ltd.

Johanson, L. (2001). *Discoveries on the Turkic Linguistic Map*. Swedish Research Institute in Istanbul, Turkey.

Kurath, H. (1949). *A Word Geography of the Eastern United States*. Ann Arbor: University of Michigan Press.

Orton, H., S. Sanderson & J. Widdowson (1978). *The Linguistic Atlas of England*. 2nd Edition. Routledge.

Trask, R. L. (2007). *Language and Linguistics: The Key Concepts*. 2nd Edition. Routledge.